

عامه پسند

نویسنده: پارلز بوکوفسکی

مترجم: ستاره نعمت‌اللهی



سرشناسه: بوکوفسکی، چارلز، ۱۹۲۰ - ۱۹۹۴ م.

Bukowski, Charles

عنوان و نام پدیدآور: عامه پسند/ نویسنده چارلز بوکوفسکی؛ ترجمه ستاره نعمت‌اللهی.

مشخصات نشر: تهران: نوای مکتوب، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۰-۵-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Pulp

موضوع: استان‌های آمریکایی — قرن ۲۰ م. موضوع:

۲۰th century — American fiction — موضوع:

ستاره روده: نعمت‌اللهی، ستاره، ۱۳۶۱ - مترجم

بندی کنگره: ۱۳۹۵ ع ۲/ ۶۷۶۳/ PS۵۵۳

رده‌بندی دیوید: ۸۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۷۱

نام کتاب: عامه پسند

نویسنده: چارلز بوکوفسکی

ترجمه: ستاره نعمت‌اللهی

نویت چاپ: اول/ ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۰-۵-۰

طراح جلد: پیمانه صفایی تهرانی

ناظر فنی: سید محمد بنی هاشمی خامنه



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

سخن مترحم

«عامه پسند» آخرین رمان چارلز بوکوفسکی ست که اندکی پیش از مرگش آن را تمام کرد. بسیاری بر این باورند که آخرین کارهای او در سایه‌ی مرگ، بدبینانه و تلخ و ریه‌آمیزند؛ شاید چنین باشد، اما چیزی که برای او اهمیت فراوانی داشت صراحت، روشن بودن و این که «هر خط از داستان باید قوی و نیرومند باشد و رنگ و بوی روح خودش رو داشته باشد، نه اینکه نیمی از کتاب فقط زمینه‌چینی برای اتفاق‌های بزرگتر باشد».

داستان‌ها و شعرهای او تحت تأثیر محیط اجتماعی و اقتصادی شهری ست که در آن زندگی می‌کرد - لس آنجلس - و اغلب نگرانی‌های او درباره‌ی زندگی مردم فرودست جامعه است. طرفداران او همیشه بر این تأکید می‌نوشتند، یا با او تماس می‌گرفتند یا به خانه‌اش در لس آنجلس می‌رفتند، او در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۱ می‌گوید: «من در مورد نوشته‌هایم خیلی نادمم که می‌گویم که می‌گویم "بوکوفسکی تو خیلی وضعت خرابه ولی هنوز داری جون سالم به در می‌بری؛ من هم تصمیم می‌گیرم خودمو نکشم." ... پس من به جورایی جون اون‌ها را نجات دادم... نه اینکه حالا قصدم این باشد، من هیچ تمایلی به نجات دادن جون آدم‌ها ندارم. ولی این‌ها خواننده‌های من‌اند، می‌بینی؟ این‌ها کتاب‌های من رو می‌خرند؛ شکست خورده‌ها، مجنون‌ها، نفرین شده‌ها... و من به این افتخار می‌کنم.» در سال ۱۹۸۶ به دلیل محبوبیت و اقبال عمومی‌ای که نزد مردم پیدا کرده بود، مجله‌ی تایم او را «پیشوای عامه‌ی مردم» خطاب کرد.

جان مارتین کسی بود که انتشارات گنجشک سیاه را فقط برای منتشر کردن کارهای بوکوفسکی به راه انداخت. او می گوید: «من کارهای او را در مجله های زیرزمینی خوانده بودم و مطمئن شده بودم، میشه گفت اصلاً وسواس پیدا کرده بودم به این فکر که او وایت و التمن جدیده. انتشاراتی های خیلی کوچیک کارهای او رو در کتابچه های کوچیک هشت، ده، دوازده صفحه ای در صد نسخه چاپ می کردند، در واقع این انتشاراتی ها از طرفدارانش بودند، یعنی انتشاراتی واقعی نبودند اصلاً. اون ها تلاشی نمی کردند که این کتابچه ها رو پخش کنند.» جان مارتین با او صحبت می کند، بوکوفسکی که در آن زمان در اداره ی پست کار می کرد همه ی هزینه های خود را روی یک کاغذ می نویسد و به این نتیجه می رسد که برای تأمین زندگی اش ماهانه صد دلار نیاز دارد. جان مارتین که حقوق اش در آن زمان چهارصد دلار در ماه بوده پیشنهاد می کند که یک چهارم حقوق خود را به بوکوفسکی بدهد تا او فقط بنویسد و او هم قبول می کند و از کار در اداره ی پست استعفا می کند.

بوکوفسکی بیش از شصت کتاب منتشر می کند و به گفته ی جان مارتین، او در سال های پایانی زندگی اش هر در هفته ده هزار دلار از فروش کتاب هایش می گرفته.

بوکوفسکی مرگ را هم دست می اندازد و در آن پوزخند می زند. در مصاحبه ای که مارتین کونن در سال ۱۹۸۷ با او انجام داد، در جواب این سوال که «از مرگ نمی ترسیدی؟» با صراحت گفت: «نه، کم و بیش از نزدیک شدن مرگ احساس خوبی هم دارم. آره، زندگی خوبی داشتم؛ وی بی بی سی، بی بی سی، سال های زیادی عمر کنی بعد از یه مدت همه چیز تکراری می شه؛ محتوا تکراری، عمل تکراری، عکس العمل تکراری؛ در نتیجه دیگه یه کم خسته می شی از زندگی و وقتی مرگ داره نزدیک می شه می گی خیل خیل عزیم، دیگه وقتشه، خوبه. پس نه، من از مرگ ترسی ندارم. راستش رو بخوای کم و بیش ازش استقبال هم می کنم.»